

نقد و بررسی کتاب تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان از صفویه تا دوره معاصر

□ جواد جعفری *

چکیده

کتاب تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان از صفویه تا دوره‌ی معاصر اثر آقای عبدالقیوم آیتی، از معدود پژوهش‌هایی است که با نگرش تمدنی به تحولات معاصر افغانستان به ویژه جامعه‌ی شیعیان افغانستان پرداخته است. کتاب تأییراتی را که شیعیان افغانستان در برخی از حوزه‌های فرهنگی و تمدنی داشته‌اند، مورد بررسی قرار داده است. این کتاب می‌تواند برای مطالعات افغانستان شناسی از جمله جامعه‌ی شیعیان افغانستان مفید باشد. کتاب در ۲۷۹ صفحه و در شش بخش یا فصل تدوین شده است. در نوشتار حاضر در راستای نقد و بررسی کتاب مذکور، ابتدا کتاب به اختصار معرفی شده و بعد به گونه‌ای اجمالی ارزیابی و نقد شکلی و محتوایی از آن صورت گرفته است. برخورداری از پیشگفتار و مقدمه، استناد به منابع متعدد، آوردن نقشه‌ها، تصاویر و جدول‌های متعدد، داشتن فهرست منابع و رعایت اصول و شیوه منبع نویسی از مزیت‌های کتاب به لحاظ شکلی است. به لحاظ محتوایی آنچه در کتاب آمده را به طور پراکنده در کتاب‌ها و مقالات دیگر نیز می‌توان یافت. و دیگر اینکه برخی مطالب، زیاد متقن کننده نبوده و گاه دارای ابهام است.

کلیدواژه‌ها: شیعیان افغانستان، صفویه، فرهنگ، تمدن.

* کارشناسی ارشد تاریخ تمدن اسلامی، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی (جامعة المصطفی العالمیه)
(j.jafari1357@gmail.com)

مقدمه

در این نوشتار به کتاب تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان از صفویه تا دوره‌ی معاصر، پرداخته شده و تلاش شده است در وقت کمی که نگارنده داشته، معرفی و ارزیابی از آن ارائه گردد. کتاب در ظاهر پژوهشی نو و تازه در حوزه‌ی تاریخ افغانستان به ویژه تاریخ شیعیان این کشور به نظر می‌آید، از این رو نگارنده را واداشت تا به معرفی و نقد آن اقدام کند. در ابتدا کتاب به اختصار معرفی شده و بعد به گونه‌ای اجمالی ارزیابی و نقد صوری و محتوایی صورت گرفته است. اما این به معنای حرف آخر در مورد این کتاب نیست و اگر کاستی‌ای بیان شده، هیچگاه متوجه زحمات و تلاش محقق محترم در به انجام رساندن کتاب نمی‌باشد. و به قول بزرگی نگاه نقادانه به یک اثر از باب تهذیب ذوق عامه و تربیت فکر نویسنده می‌باشد، و اصولاً اثری نقد یا مورد توجه قرار می‌گیرد که حرفی برای گفتن دارد، و الا در آشفته بازار کتاب عناوین بسیاری اند که شایسته‌ی توجه و نقد نیستند.

انتخاب این کتاب برای معرفی و نقد در واقع توجه و ارج نهادن به جامعه‌ی فرهنگی افغانستان و محققان آن است تا بدین وسیله نگارنده این سطور هرچند کم سهم خود را به عنوان عضوی از جامعه‌ی فرهنگی این کشور اداء کرده باشد.

الف) معرفی کتاب

تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان از صفویه تا دوره معاصر، عنوان کتابی است که محقق ارجمند آقای عبدالقیوم آیتی از طلاب پژوهشگر جامعه المصطفی العالمیه آن را تألیف کرده است. کتاب تأثیراتی را که شیعیان افغانستان در برخی از حوزه‌های فرهنگی و تمدنی داشته‌اند، مورد بررسی قرار داده است. در آغاز نویسنده ضمن بررسی پیشینه‌ی تاریخی افغانستان و ورود اسلام و پیدایش مذهب تشیع در آن به نقش شیعیان افغانستان در فرهنگ و تمدن اسلامی از قرن دهم تا اواخر قرن چهارده هجری پرداخته شده است و بیان شده که شیعیان در برخی از رشته‌های علمی، چون: ادبیات و تاریخ‌نگاری از جایگاه ممتازی در

مقایسه با سایر ساکنین افغانستان برخوردارند. و نیز در زمینه‌های هنری چون موسیقی، خط، بافندگی و ریسندگی در بسیاری از نواحی کشور خودکفا بوده‌اند و برخی از اقلام صادراتی کشور از این مناطق تأمین گردیده است. و همین طور در صنعت فلزکاری و صنعت چوب و نجاری و... شیعیان مشهور و معروفند.

به نظر می‌رسد کتاب ماحصل پژوهش دوره‌ی ارشد نویسنده باشد. هدف از تألیف کتاب به اقرار نویسنده بررسی تمدن شیعیان افغانستان و تأثیر اندیشه‌ها و باورهای شیعی در فرهنگ جامعه افغانستان است. کمبود پژوهش‌های تاریخی در حوزه‌ی تمدنی در افغانستان از سوی منابع و مراجع خارجی و هم داخلی عاملی است که نویسنده را به تألیف این کتاب واداشته است.

این کتاب می‌تواند سرآغازی برای انجام پژوهش‌هایی از این دست باشد و زمینه‌های پژوهش در حوزه‌ی فرهنگ و تاریخ شیعیان افغانستان را برای دیگر پژوهش‌گران فراهم کند. کتاب دارای یک چکیده و مقدمه ناشر و نویسنده است. در مقدمه‌ی کتاب، خواننده با طرح اولیه و هدف تألیف کتاب آشنا می‌گردد. این کتاب می‌تواند برای مطالعه‌ی وضعیت جامعه‌ی شیعیان افغانستان، و علاقمندان به پژوهش در حوزه تاریخ و فرهنگ این کشور مفید باشد. از سویی گفتمان کتاب می‌تواند سرآغازی برای تحقیق بیشتر در این حوزه و برجسته کردن نقش تمدنی شیعیان و هویت تمدنی و فرهنگی آنان باشد.

"تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان از صفویه تا دوره معاصر" توسط انتشارات جامعه المصطفی در ۲۷۹ صفحه و با قطع رقعی در سال ۱۳۹۰ و با تیراژ ۲۰۰۰ به نشر رسیده است، و در شش بخش یا فصل تدوین شده که در زیر به اجمال به محتوای این فصل‌ها اشاره می‌گردد. بخش اول - کلیات و مفاهیم: ارائه مفاهیم و تعریف کلید واژه‌های مهمی مانند تمدن، فرهنگ، افغانستان، تشیع و موقعیت جغرافیایی افغانستان را در برمی‌گیرد. جمعیت، اقوام افغانستان، ساختار مذهبی و جغرافیای انسانی شیعیان افغانستان از دیگر موضوعاتی است که نویسنده در این بخش به آنها پرداخته است.

بخش دوم - در بخش دوم با عنوان سیاست و شیعیان نویسنده به چهار محور اساسی پرداخته است. سیاست‌های دولت‌های مرکزی در قبال شیعیان این کشور، نقش و مشارکت شیعیان در ساختار قدرتهای سیاسی حاکم به تفکیک شیعیان قزلباش و شیعیان هزاره موضوع اصلی است که در این بخش بررسی شده است. در ضمن آن نویسنده به بررسی وضعیت فعالیت و نقش سیاسی شیعیان در دهه‌های اخیر، دوره‌ی اول و دوم حکومت کمونیستی، دروه‌ی جهاد، حکومت مجاهدین، دوره‌ی طالبان و پساطالبان و هم چنین تشکیلات و سازمان‌های سیاسی شیعیان افغانستان پرداخته است.

بخش سوم کتاب به آداب و رسوم شیعیان اختصاص یافته است. جشن‌ها و مجالس شادی، عزاداری‌های مذهبی، طلاق و ازدواج تحت عنوان نهاد خانواده، ورزش‌ها و سرگرمی‌ها و پوشش و لباس شیعیان در این بخش بررسی شده است. نکته‌ی مهم در این بخش این است که نویسنده موارد ذیل را به گونه‌ای کلی بررسی کرده است. حال آن که همین موارد در میان شیعیان در مناطق مختلف افغانستان تفاوت‌هایی با هم دارد. ضمن آن که برخی موارد مثل ورزش‌ها و سرگرمی‌ها یا نوع پوشش بیشتر متأثر از منطقه‌ی جغرافیایی است تا عامل مذهبی. به نظر می‌رسد مطالب این بخش از کتاب بیشتر ناظر به مباحث جامعه شناسانه است تا نوشتاری که می‌بایستی در گفتمانی تمدنی تاریخی نگاشته می‌شد.

وضعیت علمی و فرهنگی شیعیان افغانستان در بخش چهارم کتاب بررسی شده است. نویسنده ابتدا به وضعیت رسانه‌های عمومی شیعیان پرداخته است، امری که پدیده‌ی نسبتاً جدید است. رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری شیعیان تا زمان تکمیل این تحقیق مورد اشاره قرار گرفته است و اشاره‌ی نویسنده هم بیشتر ناظر به توصیف است تا تحلیل. در قسمت دوم این بخش نویسنده به تعلیم و تربیت شیعیان افغانستان پرداخته است. ابتدا اشکال سنتی تعلیم و تربیت و وضعیت آنها مورد بررسی قرار گرفته و سپس به نهادهای جدید تعلیم و تربیت شیعیان مانند تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی که در دوره‌ی حکومت حامد کرزی شکل گرفتند پرداخته است. در پایان این بخش هم وضعیت علمی شیعیان از قرن یازدهم تا

حال مورد توجه قرار گرفته است. ادبیات و شعر شیعی هم تحت دوزیر عنوان مرثیه سرایی و ادبیات و شعر مقاومت مورد توجه قرار گرفته و به نمونه‌هایی از شاعران و اشعار این دو نوع از ادبیات و شعر شیعی اشاره شده است. در مورد استناد به عالمان و دانشمندان و هم در مورد ادبیات و شعر، نوشته‌های نویسندگان محترم بیشتر ناظر به توصیف بوده و بُعد تحلیل و تطبیق بین حال و گذشته مغفول مانده است که در این راستا می‌توانست به مقدمه‌ی برخی از کتابهایی که مرتبط با ادبیات مرثیه سرایی اند اشاراتی می‌کرد.^۱

نهادهای مدنی و اجتماعی شیعیان عنوان پنجمین بخش از این کتاب را تشکیل می‌دهد. این بخش در سه محور مطرح شده است. مسائل مربوط به روحانیت تشیع مانند تشکیلات، کارکردهای روحانیت، رسالت‌مداری، آموزش، تحکیم و بهبود روابط اجتماعی و تبلیغات زیر عنوان سازمان روحانیت مطرح شده است. نکته‌ی قابل تأمل این که در این بحث به درستی پیشینه‌ی روحانیت تشیع بررسی نگردیده و معلوم نشده که این ساختار از چه زمانی شکل گرفته، چه تغییر و تطوری را پشت سر گذاشته و به چه پیشرفتهای نائل شده است.

محور دوم این بخش وضعیت نظام قضایی شیعیان را مورد بررسی قرار داده است؛ دو شکل از نظام قضایی مبتنی بر فقه حنفی و نظام قضایی محلی که بیشتر مبتنی بر فقه امامیه است در میان شیعیان افغانستان حاکم بوده و البته همیشه هم عامل چالش و تنش بین مردم و روحانیون شیعه با مراجع قضایی حکومتی بوده است. تا این حد، یعنی این که نویسنده صرف گزارشی از چگونگی نظام قضاء و داوری بین شیعیان افغانستان ارائه کرده است، اما این که این نظام قضایی و داوری در مرور زمان چگونه شکل گرفته، چه تغییرات و پیشرفتهایی کرده است را بیان نمی‌کند.

اقتصاد و ممر درآمد شیعیان افغانستان آخرین موضوع مطرح شده در این بخش است و اشاره شده است که نوع عمده‌ی فعالیت اقتصادی شیعیان افغانستان اقتصاد متکی بر زمین و دام یعنی کشاورزی و دامداری بوده است و تجارت نقش کم رنگ‌تری را در اقتصاد شیعیان داشته است.^۲ گرچه در دهه‌های اخیر شیعیان با کوشش و تلاش خود با وجود مانع تراشی

حکومت سعی کرده‌اند در امر تجارت هم نقش فعال‌تری را ایفاء کنند. در این قسمت هم چیزی دالّ بر تأثیرگذاری شیعیان از ناحیه تجارت و صنعت بر اقتصاد کلی افغانستان ارائه نگردیده است.

هنر و معماری شیعیان آخرین بخش این کتاب را تشکیل می‌دهد. موسیقی، هنرهای تجسمی و تزئینی، صنعت، معماری و بناهای ساخته شده توسط شیعیان، مساجد، مناره‌ها و مدارس علمیه و ایجاد باغستان‌ها از موضوعاتی‌اند که در این فصل به عنوان نمونه‌های تمدنی شیعیان به آن‌ها پرداخته شده است. اما نکته‌ی قابل ذکر این که در مورد برخی از موارد نامبرده‌ی فوق به درستی مشخص نگردیده که چه شاخصه یا ملاک و معیارهایی مورد نظر نویسنده بوده که نشان دهد که در این موارد شیعیان تأثیرگذاری خاص داشته و موجب ارتقاء و پیشرفت آنها شده است.

ب) نقد

پس از بررسی اجمالی محتوای فصل‌های کتاب اینک به اختصار ابتدا به نقد صوری و سپس به نقد محتوایی کتاب پرداخته می‌شود.

نقد صوری کتاب

۱. صفحه عنوان: کتاب دارای صفحه‌ی عنوان بوده و این عنوان با صفحات پیش از متن هم خوانی دارد، که این از نکات مثبت کتاب می‌باشد.
 ۲. کتاب هم چنین از صفحه‌ی حقوق برخوردار بوده و دارای مشخصات اعم از نام کامل نویسنده، ویرایشگر، نوبت چاپ و محل نشر به فارسی و لاتین می‌باشد.
 ۳. داشتن فهرست مندرجات در ابتدای کتاب از دیگر مزیت‌های کتاب بوده که همانند یک نقشه کار خواننده را در رسیدن به مطلب مورد نظر و دریافت اطلاعات اجمالی از محتوای کتاب آسان می‌نماید.
- برخورداری از پیشگفتار و مقدمه مزیت دیگر کتاب است که هر دو خواننده را کمک

می‌کنند تا هم در جریان مسایل جنبی نظیر نحوه و چگونگی شرایط تدوین کتاب قرار گرفته، و هم با طرح اولیه و هدف و محتوای کتاب به اجمال آشنا گردد. اما آوردن چکیده در اول کتاب به نظر نامأنوس می‌آید چرا که امریست که بیشتر در مقالات و پایان نامه‌ها معمول است. شاید دلیل این امر این باشد که تحقیق در ابتدا پایان نامه ارشد بوده که بعدها شکل کتاب را به خود گرفته است.

استناد به منابع متعدد، آوردن نقشه‌ها، تصاویر و جدول‌های متعدد، داشتن فهرست منابع و رعایت اصول و شیوه منبع‌نویسی که ذکر پنج مورد مولف، نام کتاب، ناشر، مکان و سال نشر می‌باشد، از مزایای کتاب است. اما اگر نویسنده‌ی محترم در ضمیمه‌ای فهرستی از اقلام، اقوام، جای‌ها و مکان‌ها را هم می‌آورد می‌توانست به خواننده‌ی کتاب کمک کند تا بهتر و سریع‌تر به مطالبی که می‌خواهد برسد. در قسمت منابع لاتین هم نویسنده فقط به یک کتاب اسناد داده و بیشترین درصد اسناد به منابع لاتین را سایتها شامل می‌شود که بیانگر در دسترس نبودن این گونه منابع برای نویسنده است. کم بودن اغلاط و اشکالات صحافی از دیگر مزایای کتاب می‌باشد. کتاب در کل از چاپ، کاغذ و جلد خوبی برخوردار است. طراحی جلد کتاب زیاد گویای عنوان کتاب یا تحقیق نیست و حاوی نشانه‌های دیداری که بیانگر افغانستان، صفویه و ارتباط این دو باهم باشد نیست. این طراحی می‌تواند طرح جلد خوبی مثلاً برای تحقیق پیرامون معماری و آیین تاریخی اسلامی باشد.

به لحاظ روش و منطق تدوین به طور کلی می‌توان گفت که کتاب نسبتاً خوش تدوین است و عناوینی که برای فصول انتخاب شده است تا حدی زیادی بیانگر فضا و بعد تمدنی است که فضای گفتمانی کتاب را هم شکل می‌دهد. خواننده نیز باید حوصله به خرج دهد تا به پیام نهایی نویسنده برسد و ارتباط بین فصل‌ها را برقرار کند. نثر کتاب گرچه روان و سلیس است، اما در بسیاری از جاهای کتاب - برای نمونه صفحات ۱۸۹ و ۱۹۹ - کاربرد فعل جمع برای محقق که یک نفر است به نثر لطمه زده است و زبان کتاب را زبان غیر علمی نزدیک کرده است.

نقد محتوایی

کتاب تاریخ تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان چنان که از عنوانش برمی‌آید، گفتمانی تاریخی تمدنی را برگزیده و انتظار می‌رود که تا آخر در همین فضا و گفتمان حرکت کند. پرداختن به تمدن و فرهنگ و پیشینه‌ی یک گروه مذهبی که در جامعه‌ی کلان‌تر، اقلیت محسوب می‌گردد و به دلیل انحصار طلبی حاکمان و تفاوت‌های مذهبی با بافت کلی جامعه تا حد زیادی مورد ظلم واقع گشته و چنان که باید و شاید به نقش آنان در حیات سیاسی اجتماعی جامعه و پیشرفت‌های آن توجهی نشده است، به نوبه‌ی خود امری درخور ستایش و قابل تحسین است. هم از این بابت که پرده‌های غبار و تاریکی را کنار زده و هویت و گذشته‌ی بخش قابل توجهی از افراد یک جامعه کلان‌تر را تا حد زیادی روشن می‌کند، و هم از این بابت که در جای خود، در یک نگاه کلان تاریخی، درک و برداشت جدید و نزدیک به واقع تری را از تاریخ یک ملت متشکل از گروه‌های قومی متعدد و نحوه‌ی تعاملاتشان باهم را ارائه می‌دهد.

اقدامی که نویسنده‌ی محترم از این باب کرده در خور تحسین و سپاس است. روش و نگاه نویسنده در تدوین این کتاب می‌تواند هم الگو برای کارهایی از این دست و هم فتح بابی در این حوزه باشد.

۱. مؤلف اثر

نویسنده از طلاب جامعه‌المصطفی‌العالمیه است اما این که در چه رشته‌ای تحصیل کرده است مشخص نیست، آگاهی از درجه و رشته‌ی تحصیلی وی می‌توانست در نقد کتاب تأثیرگذار باشد. زیرا تخصص و رشته‌ی تحصیلی وی می‌نمایاند که وی پتانسیل لازم برای قلم فرسایی در این حوزه را دارد یا خیر.

عنوان کتاب

در مورد عنوان تحقیق چند نکته قابل یادآوری است، اول اینکه انتخاب عنوان «تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان» چندان مناسب به نظر نمی‌رسد؛ گویا شیعیان افغانستان از یک تمدن

برخوردار هستند که نویسنده سعی دارد در مورد آن تحقیق کند. و بهتر بود عبارت مناسب تری برای این کتاب انتخاب می شد به عنوان نمونه فرهنگ و تمدن اسلامی در میان شیعیان افغانستان.

دوم این که جغرافیای سیاسی با عنوان رسمی افغانستان مدتها بس از صفویه شکل گرفته است. حتی خود احمد شاه ابدالی که در واقع پایه گذار این کشور است هم از عنوانی به نام افغانستان خبر نداشته است. بسیاری از مطالبی هم که در مورد کشور افغانستان آورده شده است - مثل جمعیت، حدود جغرافیایی و تقسیمات اداری - مرتبط با وضعیت فعلی این کشور است و ارتباط زیادی با دوره زمانی مورد بررسی این تحقیق ندارد. مطلب دیگر اینکه برای دوره معاصر تعاریف متعددی می شود ولی مراد نویسنده از دوره ی معاصر مشخص نیست. دوره های بعد از صفویه (افشاریه، قاجاریه و ...) به عنوان دوره ی معاصر یاد می گردد.

عنوان کتاب گرچه دوره ی زمانی از صفویه تا دوره ی معاصر را شامل می شود اما با مطالعه ی کتاب می توان فهمید که حجم بسیار زیادی از مطالب و محتوای کتاب بیشتر تحولات یک سده ی اخیر و حتی دهه های اخیر این کشور را در بر می گیرد و تحولات و تأثیرات شیعیان در دوره ی زمانی نزدیک به صفویه و کمی ما بعد از آن چندان پررنگ نشده است.

۲. گفتمان پژوهش

گفتمان یا برنامه پژوهشی اثر در حوزه ی تمدن و فرهنگ است و انتظار می رود که تا پایان در همین فضا حرکت کند. اما وقتی جریان تطور و تحولات تاریخی شیعیان را بیان می کند رابطه ی این تغییر و تحولات با تعاریفی که از تمدن و فرهنگ ارایه کرده است پیدا و معلوم نیست. شاید بتوان گفت عنصر تأثیرگذار در انتخاب این موضوع، شرایط سیاسی اجتماعی خاص شیعیان افغانستان در دوره تألیف کتاب است. شیعیان برای اولین بار در تاریخ معاصر افغانستان خواهان جدی حقوق خود شده و تمایل و تأکید بسیار بر هویت خود و استقلال و تمایز آن در جامعه افغانستان دارد و به نظر می رسد که کتاب هم در همین راستا به انجام رسیده باشد.

۳. سابقه تحقیق

در این تحقیق به سابقه و پیشینه توجه کمی شده است. یک دلیل آن شاید نو بودن موضوع تحقیق باشد، با این وجود نویسندگان می‌توانست به تحقیقات نزدیک به موضوع خود اشاره کنند. هر چند تعدادی آثار را ذکر کرده است، اما نقد و بررسی و یا اجمالی از آنها ذکر نکرده است. آثار دیگر هم نزدیک به موضوع تحقیق وی هست که ذکر نکرده است مانند ورود سادات به افغانستان (مروج بلخابی، بی‌تا) از سید ابوطالب مروج بلخابی، هزاره‌های افغانستان (موسوی کابلی، ۱۳۷۹) از سید عسکر موسوی.

در ادامه به ترتیب فصولی که نویسنده در کتاب خود انجام داده، مورد مطالعه قرار داده و نکات قابل توجه و بیان را در مورد هریک به اختصار ذکر می‌گردد.

اول، شیعیان و سیاست

در بخش شیعیان و سیاست نویسنده بیشتر به تاریخ تحولات دوره‌ای از تاریخ افغانستان و نقش شیعیان در این تحولات به نحو فعال یا منفعل پرداخته است و چیزی که نشان دهنده‌ی تبارزات تمدنی باشد ارائه نشده است. در این بخش ملاک و معیارهای شاخصه سیاسی تمدنی بیان نشده است که بتوان با توجه به آن در مورد نقش تمدنی سیاسی شیعیان داوری کرد. رابطه‌ی تمدن و سیاست رابطه‌ی خطی نیست بلکه رابطه‌ای دایره‌ای است که برهم تأثیرات متقابل دارند. سیاست می‌تواند فرهنگ و تمدن یک کشور را گسترش دهد و برعکس. امروزه این نکته را به عینه در سیاست غرب می‌بینیم که چگونه به گسترش و رواج فرهنگ غربی در دیگر جوامع انجامیده است. در مورد بحثی که نویسنده‌ی محترم تحت عنوان شیعیان و سیاست مطرح کرده است این سوال مطرح می‌گردد که سهم و نقش شیعیان افغانستان در سیاست و در دوره‌ی زمانی مورد بحث، آیا به گسترش فرهنگ و تمدن شیعی در این کشور انجامیده است یا خیر؟ چیزی که نوشتار نویسنده محترم آن را نمی‌رساند.

نکته‌ی دیگر این که در تحولات سیاسی این دوره‌ی افغانستان از منظر تمدنی باید دید که

چه دستاورد تازه‌ای در نظام، ساختار و کارکرد سیاسی و حاکمیتی جامعه‌ی افغانستان شکل گرفته یا روی داده است و آنگاه باید دید که در این تغییرات و نوآوری‌های جدید، شیعیان چه قدر یا چه اندازه تأثیر گذار بوده و نقش داشته‌اند.

بحث تشکیلات و سازمان‌های سیاسی شیعیان از آنجایی که متضمن نوعی پیشرفت و پیچیدگی در تاریخ سیاسی اجتماعی شیعیان است، نکته‌ی بجایی است که بیان شده است. اما در این جا هم نویسنده به خوبی این مساله را واکاوی نکرده است و به بازگویی مطالب یکی دو کتابی پرداخته است که در این زمینه نوشته شده است و کاستی‌های آنها را تکرار کرده است. برای مثال به سازمان سیاسی جوانان شیعه‌ی دانشگاهی افغانستان یعنی پاسداران انقلاب اسلامی افغانستان یا پ. الف. الف، که در واقع از اولین تشکلهای سیاسی جامعه‌ی شیعیان است اشاره ای نشده است. هم چنین به سازمان مهمی به نام جبهه‌ی مستضعفین افغانستان که در ابتدا مشهور به سازمان مجاهدین خلق افغانستان^۳ بود و در افواه مشهور بود که متأثر از سازمان مجاهدین خلق ایران است.

به نظر می‌رسد در این بخش محقق بیشتر در صدد بیان این نکته است که قومیت غالب یا حاکمیت سیاسی جامعه تا چه حد و میزان، میدان مانور و حضور به گروه مذهبی شیعیان داده است و این فرصت و مجال بروز دادن را با چه هدفی دنبال کرده است.

دوم، آداب و رسوم

آیین‌ها و آداب و رسوم هر ملتی، سازنده‌ی عناصر فرهنگی یک تمدن و جامعه محسوب می‌شوند. تنوع و تعداد آیین‌ها و آداب و رسوم دلیل غنای فرهنگی یک جامعه است. در روزگار بحران هویت یکی از راه‌های حفظ هویت فرهنگی، بازگشت به آیین‌ها و آداب و رسوم سنتی است. به نظر میرسد محقق محترم هم با همین پیشینه‌ی نظری بحث آداب و رسوم شیعیان افغانستان را مطرح کرده است. در ارتباط با این بخش از کتاب چند نکته قابل یادآوری است. اول این که نویسنده بی‌هیچ مقدمه وارد بحث شده است. نکته ای که در دیگر بخش‌های

این کتاب هم قابل مشاهده است. شایسته بود با توجه به گفتمان کتاب که تأکید بر نقش تمدنی شیعیان دارد، به نقش و اهمیت و جایگاه آداب و رسوم در فرهنگ و تمدن می‌پرداخت و این که آداب و رسوم شیعیان افغانستان تا چه حدی متأثر از فرهنگ شیعی و تا چه متأثر از فرهنگ ملی این کشور است.

دوم، دلیل ذکر نهاد خانواده تحت این عنوان در این بخش مشخص نیست. ضمن آن که به نظر می‌رسد در خط آخر این بخش جاافتادگی رخ داده است. (ص ۱۴۲، پاراگراف اول، خط هفتم). سوم، در قسمت ورزش و سرگرمی چنان که شاید و باید به سرگرمی‌ها و اوقات فراغت پرداخته نشده است. اگر همین مقداری که کتاب آورده است باشد یا نشانگر بضاعت کم شیعیان است یا اینکه تتبع کافی در این مورد نشده است. نکته‌ی دیگر این که در ورزش و سرگرمی‌های که وجود دارد عواملی چون فرهنگ، منطقه و... دخیل‌اند. شیعیان افغانستان هم با توجه به تنوع و گستردگی قومی و جغرافیایی‌شان بی‌تردید دارای تنوع و تعدد از بازی‌ها و سرگرمی‌ها هستند که در این نوشتار بسیار کم به تفاوت و تنوعات آنها توجه شده است. برای مثال بحث ازدواج در مناطق مختلف دارای آداب و رسوم متفاوتی است. برای مثال تفاوت عروسی شیعیان هزاره با قزلباشان شهرنشین و مانند آن.

در پرداختن به بخش ورزش، نویسنده کاملاً از حیطه‌ی زمانی مورد بررسی این پژوهش خارج شده و بازی‌های اشاره شده مربوط به زمان حال می‌باشد و جنبه بررسی تاریخی مورد غفلت واقع شده است. اگر دلیلی هم برای این امر وجود داشته است، می‌بایستی ذکر می‌گردید.

در بخش عزاداری‌ها صرفاً به عزاداری و سوگواری‌های مذهبی پرداخته شده است و به عزاداری‌ها و سوگواری‌های شخصی در مورد اموات و درگذشتگان و نحوه‌ی اجرای آنها مطلبی بیان نشده است. حتی عزاداری‌های مذهبی هم بین شهرنشینان و روستائیان شیعه تفاوت‌هایی دارد.

یکی از رسوم مذهبی شیعیان که در این تحقیق نادیده گرفته شده، منقبت خوانی است^۴. این مراسم به صورت هفتگی در خانه‌های خصوصی یا تکیه خانه برگزار می‌شود و مناقب

خوانان اشعاری را با صدایی خوش و آهنگین در وصف خداوند، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام می‌خوانند و جمعیت را به وجد می‌آورند. منقبت خوانی خود باعث پیدایش نوع شعر آئینی و دواوین شعری در این زمینه در دوره‌ی معاصر بین شیعیان گشته است.

چینش نادرست عناوین و زیرعناوین در این بخش قابل توجه است. برای مثال به بحث لباس و پوشش اشاره می‌گردد. اول این که نویسنده بی‌هیچ مقدمه‌ای وارد این بحث گردیده است و هیچ توضیحی در باب اهمیت و تاریخچه و تأثیرپذیری پوشش از فرهنگ یک جامعه، به گونه‌ای ناگهانی وارد بحث لباس بین شیعیان افغانستان به نحو کلی شده است.

در کل آنچه راجع به آداب و رسوم گفته شده بیشتر رنگ و صبغهی تحقیقات جامعه شناسانه دارد و از جنبه تأثیرپذیری و تأثیرگذاری و نسبت مهم بین آداب و رسوم و فرهنگ و تمدن توجهی نشده است. گرچه نمی‌توان امروزه منکر مباحث مشترک بین دورشته علوم انسانی و میان رشته‌ای گردید.

سوم، وضعیت فرهنگی و علمی

بخش اول گزارشی است از وضعیت رسانه‌های عمومی اعم از دیداری، شنیداری و نوشتاری که در فضای پسا طالبانی در افغانستان فرصت بروز آن فراهم گردید و گروهها و اشخاص مختلف به شمول شیعیان اقدام به راه اندازی چنین رسانه‌هایی کردند. با وجود نقش قابل توجه شیعیان، اما نکته‌ی مهم تولید محتوای این برنامه هاست که تمامی رسانه‌های همگانی افغانستان به شمول رسانه‌های همگانی شیعیان از آن رنج می‌برند و فاقد عنصر تولید بومی و ملی هستند. در ضمن غالب این رسانه‌ها به لحاظ تأمین هزینه متکی به منابع خارجی اند که آنها را وامی دارد تا در راستای اهداف و سیاست‌های آنان حرکت کنند.

با آن که رسانه‌های دیداری و شنیداری در میان شیعیان پدیده‌های نو و تازه‌ای اند اما به لحاظ نوشتاری از سابقه و پیشینه‌ی بیشتری برخوردارند و بهتر بود که محقق محترم اشاره‌ای اجمالی به سابقه‌ی ژورنالیسم در افغانستان میکرد. (رهین، ۱۳۸۷؛ آهنگ، ۱۳۷۲) شیعیان از

سابقه رسانه‌ی نوشتاری متعددی هم در داخل و هم خارج از کشور برخوردارند که در این تحقیق به آنها اشاره نشده است. پیام وجدان به سردبیری عبدالرئوف ترکمنی و "برهان" به سردبیری علمشاهی از نشریات پیشگام شیعیان در دوره‌ی شاهی هستند. هم چنین غالب گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی شیعی برای خود نشریاتی داشته‌اند.

چهارم، تعلیم و تربیت

به مبحث تعلیم و تربیت در این تحقیق تقریباً خوب پرداخته شده است. اشاره به تعلیم و تربیت به روش سنتی بین شیعیان و نقش مهم و تأثیرگذار آن در قالب مکتب‌خانه‌ها و مدارس علمیه نمود داشته است در ارتقای فرهنگی جامعه‌ی شیعیان افغانستان به خوبی بازگو شده است. نکته‌ای که نویسنده محترم تحقیق به آن اشاره نکرده است این است که در برهه‌ای (۹۳- ۱۸۹۱) از دوره‌ی زمانی مورد بحث این تحقیق که شیعیان مورد هجوم خونبار حکومت عبدالرحمن خان قرار گرفت یکی از دلایل آن، انسجام و یک‌دستی قومی هزاره‌های شیعه، وحدت سرزمینی و مهم‌تر از همه ظرفیت بالفعل و بالقوه‌ی فرهنگی هزاره‌های شیعه بوده است. در زمان حملات عبدالرحمن به هزارستان بی‌تردید هزاره‌های شیعه به دلیل سنت دیرپا و فراگیر مکتب‌خانه و مدارس علمیه دینی از سطح فرهنگی بالایی نسبت به دیگر اقوام افغانستان برخوردار بوده‌اند که برای حکومت و قومیت غالب امر مطلوبی نبوده است. یکی از پیامدهای حملات عبدالرحمن خان به شیعیان، انزوا و تجرید فرهنگی این مردم بوده است که دهه‌ها به شدت اعمال شد.

تصویری که نویسنده از شرایط تعلیم و تربیت سنتی ارائه داده تا حد زیادی گویای واقعیت موجود جامعه‌ی شیعیان افغانستان است. هم چنین به خوبی به شرایط تعلیم و تربیت شیعیان پس از آن که زمینه برای حضورشان در مراکز آموزش جدید فراهم گشت اشاره کرده و تحلیل خوبی ارائه داده است. شیعیان در این حوزه به نسبت جمعیت شان و با وجود محدودیت‌های موجود کارنامه‌ی درخشانی از خود نشان دادند. در دوره‌ی حکومت کمونیست‌ها این شرایط

تحصیلی و اجتماعی بهتر گردید. و در دوره‌ی پسا طالبان با بازگشت تحصیل کردگان شیعه از خارج و تشکیل مؤسسات آموزش عالی و فرهنگی، و درصد بالای پذیرش جوانان شیعه در دانشگاه‌های دولتی نوعی رنسانس فرهنگی در جامعه‌ی تشیع افغانستان ایجاد گردید. در ارتباط با تعلیم و تربیت جدید در افغانستان شایسته بود نویسنده محترم با توجه به برخی نوشته‌های مرتبط با این موضوع، شرایط آموزشی شیعیان را در نظام جدید به بررسی می‌گرفت. (کامگار، ۱۳۸۰؛ معارف افغانستان در پنجاه سال اخیر، ۱۳۴۷)

این موارد نشانگر تأثیر مثبت و نقش مهم و تأثیرگذار جامعه شیعیان در ارتقای سطح فرهنگی و علمی افغانستان است و تحلیل نویسنده تحقیق را در این راستا تأیید می‌کند. در بخش وضعیت علمی شیعیان نویسنده بر آن است تا سهم و نقش شیعیان را در حوزه‌های علوم مختلف مانند تاریخ‌نگاری، ریاضیات، حکمت، نجوم و... نشان دهد و در تأیید ادعای خود لیستی از افراد به تفکیک قرن ارائه می‌دهد. اما نکته‌ی قابل ذکر این که اولاً مستندات کافی برای تشیع این افراد ارائه نمی‌کند، ثانیاً بسیاری از افرادی که نام می‌برد متعلق به جغرافیای افغانستان نیست، مانند میرزا هاشم بهشتی، اشرف خان منشی از سادات مشهد، چند نفر با پسوند شاملو که خود پسوندی ترکی است.

نکته‌ی سوم این که نویسنده در معرفی این افراد افراط و تفریط کرده، برخی را در حد دو تا سه سطر و برخی را در چند صفحه معرفی کرده است. افرادی هم که مفصل درباره‌ی شان سخن گفته مانند آخوند خراسانی و کاتب هزاره، افراد مشهوری‌اند که برای خوانندگان عام هم معروف بوده و به نظر نیاز نبوده تا در این حد به ایشان پرداخته شود.

در بخش مربوط به ادبیات و شعر شیعیان نویسنده متذکر شده که ادبیات و شعر در افغانستان در دو قالب رشد کرده است، مرثیه سرایی و ادبیات و شعر مقاومت، برای هردو مورد هم استناد به شاعرانی و اشعارشان کرده است. اما در این بین به سنت شعر و آواز هزارگی که غالب جمعیت شیعیان را تشکیل می‌دهد اشاره نشده است. یکی از سنت‌های مشهور هزاره‌ها، شعر و ادبیات عامیانه هزارگی می‌باشد. شعر هزارگی مثل دی و مخته در عروسی‌ها،

اعیاد و سوگواری‌ها خوانده می‌شود و شاعران و خوانندگان مشهوری دارد. صفدر توکلی یکی از آنان است.

پنجم، نهادهای مدنی و اجتماعی شیعیان

نویسنده در این بخش هم بی‌هیچ مقدمه‌ای وارد بحث شده و به سه دسته از این نهادها اشاره می‌کند. سازمان روحانیت، نظام قضایی و اقتصاد شیعیان. در این بخش چند نکته قابل یادآوری است.

اول این که از سازمان روحانیت در افغانستان نام می‌برد بدون آن که تعریفی از این سازمان ارائه دهد. بعد هم مشخص نمی‌کند که اولاً آیا روحانیت در افغانستان تشکیلاتی دارد و این که چگونه این تشکیلات را در قالب چارتی به نام سازمان با تعریف خاص خودش قرار می‌گیرد. دوم این که ربط تاریخیچه‌ای که برای سازمان روحانیت بیان می‌کند با روحانیت موجود در دوره‌ی زمانی مورد بررسی این تحقیق معلوم نگردیده است.

در بخش نظام قضایی شیعیان توضیحات مفصلی در باره‌ی نظام قضایی افغانستان آمده است و ضمن آن بیان شده که حل و فصل قضایی دعاوی شیعیان در محاکم حکومتی بر اساس فقه اهل سنت حل و فصل می‌شده است، اما به نظر نیازی به این همه تفصیل نمی‌باشد. هم چنین به نظام داوری محلی بین شیعیان که روحانیان شیعه متکفل آن بوده‌اند نیز اشاره شده است. که این در راستای هدف کتاب - نشان دادن سهم و نقش شیعیان - است. وجود یک نظام قضایی و داوری محلی بین شیعیان بیانگر صلاحیت و قابلیت فقهی این گروه در حل و فصل دعاوی قضایی‌شان است. و رسمیت یافتن حل و فصل دعاوی قضایی شیعیان در محاکم حکومتی براساس فقه امامیه هم نیز نشانگر این صلاحیت و برجسته شدن نقش شیعیان در حیات سیاسی اجتماعی‌شان می‌باشد.

ناقص ماندن برخی مطالب به نحوی که بخشی از یک مطلب بیان شده ولی ادامه‌ی آن که تکمیل‌کننده‌ی مطلب است نیامده از ضعف‌های این بخش است. برای مثال ص ۲۲۱، پاراگراف چهارم.

مطالبی هم که در مورد اقتصاد و ممر درآمد شیعیان آمده است بیشتر جنبه‌ی جامعه‌شناسانه و گزارشگرانه دارد و آنچنان که اقتصاد شیعیان تعریف شده است بیشتر بیانگر یک اقتصاد نظام فنودالیه و متکی بر دام و زمین است. و شرایط حاکم بر مناطق شیعه نشین که عمدتاً منطقه هزاره‌جات را تشکیل می‌دهد - عدم اجازه فعالیت در بخشهای تجاری و تولید صنعتی - و هم شرایط خود اقتصاد فنودالی مثل عدم تمایل به تولید اضافی، رواج معاملات پایا پای، تولید کم و به قدر نیاز، همگی مبین این نکته می‌توانند باشند که نقش اقتصادی شیعیان در اقتصاد کشور کم رنگ باید باشد، حال آن که نویسنده با تعریف همین شرایط برای اقتصاد شیعیان، چنین برداشت کرده که ایشان در اقتصاد کلی کشور نقش حائز اهمیت دارند که برای نگارنده‌ی این سطور منطق حاکم بر این استنتاج مشخص نگردید.

ششم، هنر و معماری

در این بخش محقق محترم بر این است که شیعیان در هنرهای مختلف اعم از محسوس و غیر محسوس نقش و سهم داشته‌اند. وی آورده است که شیعیان افغانستان از دورترین دوره‌های تاریخی پیش و پس از قرن دهم هجری آثار هنری زیبایی خلق کرده‌اند. در ادامه هم از هنرهای مختلف و موارد گوناگون نام می‌برد. نکته‌ی قابل ذکر این که هنر شیعی را در بیشتر موارد می‌توان همان هنر اسلامی دانست چراکه تفاوت بارزی میان این دو هنر دیده نمی‌شود. مهم‌ترین اختلاف میان هنر اسلامی و هنر شیعی، اشاره به مسائلی چون امامت، که خاص این مذهب است، در معماری و سایر جلوه‌های هنری می‌باشد. اگر محقق محترم تحقیق، به محتوای برخی خطوط و نقوش در ابنیه و آثار هنری که به عنوان اثر هنری و معماری شیعیان یاد کرده اشاره می‌کرد، داوری در باره‌ی شیعی بودن آفرینندگان آن سهل‌تر می‌شد. اشاره به برخی کتبی که در مورد معماری افغانستان نگاشته شده‌اند و بررسی وضعیت معماری به توجه و اسناد به آنها می‌توانست بررسی‌های محقق محترم در این زمینه را کامل کند.^۵

اما چند نکته‌ی قابل تأمل و بیان در مورد مطالب این بخش از کتاب: در بخش موسیقی

به افراد کمی اشاره شده است و در مورد نوآوری در دستگاهها و آواهای موسیقی چیزی آورده نشده است. تاریخچه‌ای هم که برای موسیقی ذکر میکند هم چندان ربطی به موسیقی رایج بین شیعیان ندارد و هم زیاد گویا و روشن کننده‌ی بحث نیست.

اگر بخواهیم در مورد موسیقی شیعیان افغانستان صحبت کنیم باید از موسیقی تمام قومیتها و گروههای تشکیل دهنده‌ی جامعه‌ی شیعیان باید صحبت کرد، اما چون غالب جمعیت شیعیان افغانستان را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند می‌توان محور بحث را موسیقی هزاره‌گی انتخاب کرد. اما در این تحقیق به این امر به خوبی پرداخته نشده است و منابعی هم برای آگاهی بیشتر ارائه نگردیده است.^۶

محقق در جایی متذکر شده که موسیقی شیعیان به دلیل کمبود امکانات و عدم تشویق در مجاری ناسالم افتاده است. و بلافاصله از رشد و بالندگی آن سخن می‌گوید، که متضمن نوعی تناقض است. تفکیکی هم بین موسیقی نظری و عملی قائل نشده و افرادی را در این حوزه مطرح کرده است که اولاً عمومیت ندارد و ثانیاً از همه‌ی دوره‌های زمانی مورد بررسی این تحقیق مثال نیاورده است. حتی در دوره‌ی حاضر با اندکی تتبع می‌توانست به افراد بسیاری از نوازندگان و خوانندگان موسیقی هزارگی که در مناطق مختلف هزاره‌جات فعالیت دارند، دست یابد. برای مثال می‌توان به ملا قطمیر، سیدمیرزا از بامیان، اسماعیل صفدری و اکبر اکبری از ورس اشاره کرد.

در قسمت هنرهای تجسمی و تزئینی و صنعت؛ بحث را به طور مطلوبی از نظر ترتیب و تقسیم مطرح کرده و به موارد خوبی هم اشاره نموده است و می‌توان گفت که تصویر خوبی از وضعیت هنرهای تجسمی و نقش آن در حوزه‌ی هنر در کشور ترسیم کرده است. اما در این جا هم مانند بسیار موارد دیگر در پرداختن به افراد دچار افراط و تفریط شده است. به برخی هنرمندان مانند کمال الدین بهزاد یا محمدعلی عطار هروی به تفصیل و به بسیاری دیگر از هنرمندان این حوزه به اجمال پرداخته شده است.

نتیجه

کتاب "تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان از صفویه تا دوره معاصر" هم چنان که نویسنده ی آن اذعان کرده با هدف نشان دادن نقش و سهم تمدنی شیعیان افغانستان در تاریخ تمدن و فرهنگ این کشور تألیف شده است. از این رو یک، کتاب، نوشتاری است در فضا و گفتمان تمدنی، و انتظار میرود تا پایان در همین فضا حرکت کند. در مورد هدف نویسنده باید گفت که در کل هدف خوبی است، اما به عنوان منتقد معتقدم که تمدن در کلیت خود هم چنان که نویسنده در تعریف مختار خود از آن آورده، دستاورد تلاش و کوششهای همه ی افراد یک تمدن یا جامعه است، و اگر تلاشها و دستاوردهای یکی از گروههای زیر مجموعه ی تشکیل دهنده ی تمدن را حذف کنیم، دیگر سخن گفتن از کلیت واحد یک تمدن سخنی گراف است. دیگر این که تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان جزء و بخشی از یک تمدن و فرهنگ بزرگتر است و مقوله تمدن هم، همانند یک قطعه زمین نیست که بتوان آن را با حدود اربعه، محدود و مستقل از زمینهای پیرامونی اش کرد.

دو، اگر بخواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که نویسنده به هدف خود نائل شده است در پاسخ باید گفت، نمی توان نمره ی کامل به وی در این باره داد. آنچه وی در کتاب خود بدانها اشاره کرده را جسته و گریخته و به طور پراکنده در کتابها و مقالات دیگر نیز می توان یافت. استنادات نویسنده در مورد برخی مطالب، زیاد متقن کننده نیست و گاه دارای ابهام هم است. اما یک نکته را از یاد نباید برد، اقدام به تألیف چنین اثری در فقرزار امر پژوهش و تتبع و رکود تولیدات فرهنگی یک گام به جلو است و می تواند سرآغاز و فتح بابی برای حوزه ی پژوهش و تحقیق در مورد تاریخ و فرهنگ افغانستان باشد، و این آغاز را، تحقیقات و پژوهشهای دیگران استمرار داده، کاستی های آن را جبران و به غایت نیک برسانند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مانند کتاب اشعار بلبل از پروفیسور حسین هدی و ادبیات افغانستان از کابل تا یثرب از سرور رجایی و دیوان بلبل نشر انتشارات معصومین قم.
۲. در این مورد اطلاعات کتاب سیری در هزاره‌جات حسین نایل قابل توجه است.
۳. برای آگاهی بیشتر در مورد این شکل سیاسی رک به کتاب ناگفته‌های جریان روشنفکری افغانستان از سید محمدرضا علوی.
۴. در این باره رک به سنت عزاداری و منقبت خوانی در تاریخ شیعه امامیه، محمود تقی زاده یآوری، نشر مؤسسه شیعه شناسی.
۵. برخی از این کتابها عبارتند از:
دوپری، نانسی، راهنمای تاریخی افغانستان، کابل، ۱۳۷۷. و بال وارویک، بناهای معماری افغانستان، انتشارات TaurisT، ۲۰۰۰م. و نوید، حامد، تحولات هنر افغانستان در مسیرتاریخ، نشر AuthorHouse، ۱۹۸۸.
۶. برای مثال کتاب موسیقی افغانستان و هنرمندان حرفه ای، جان بیلی، ترجمه نصرالدین سلجوقی، نشر بیهقی، کابل ۱۳۸۳. و تحول موسیقی در افغانستان، نوشته دکتر عبدالوهاب مددی، نشر عرفان، تهران، ۱۳۷۵.

کتابنامه

- آهنگ، محمد کاظم، سیر ژورنالیسم در افغانستان، نشر میوند، کابل، ۱۳۷۲.
- بیلی، جان، موسیقی افغانستان و هنرمندان حرفه ای، ترجمه نصرالدین سلجوقی، نشر بیهقی، کابل ۱۳۸۳.
- دوپری، نانسی، راهنمای تاریخی افغانستان، کابل، ۱۳۷۷. و بال وارویک، بناهای معماری افغانستان، انتشارات TaurisT، ۲۰۰۰ م.
- رجایی، سرور، شعر افغانستان از کابل تا یرب، ماهنامه شعر، آبان ۱۳۷۸.
- رهین، رسول، تاریخ مطبوعات در افغانستان از شمس النهار تا جمهوریت، نشر شورای فرهنگی افغانستان، استکهلم، ۱۳۸۷ ش.
- سنت عزاداری و منقبت خوانی در تاریخ شیعه امامیه، محمود تقی زاده یآوری، نشر مؤسسه شیعه شناسی.
- علوی، سید محمد رضا، ناگفته‌های جریان روشنفکری افغانستان، نشر مؤسسه خدماتی باران، کابل، بیتا.
- غبار، میر محمد غلام، افغانستان در مسیر تاریخ، نشر کانون مهاجر، قم، ۱۳۵۹.
- فرهنگ، میر محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۱.
- کامگار، خلیل الرحمان، تاریخ معارف در افغانستان، نشر میوند، کابل، ۱۳۸۰.
- مددی، عبدالوهاب، تحول موسیقی در افغانستان، نشر عرفان، تهران، ۱۳۷۵.
- مروج بلخابی، سید ابوطالب، ورود سادات به افغانستان، نشر نیلوفرانه، قم، بیتا.
- معارف افغانستان در پنجاه سال اخیر، نشریه وزارت معارف به مناسبت پنجاهمین سالگرد استقلال کشور، چاپ معارف، کابل، ۱۳۴۷.
- موسوی کابلی، سید عسکر، هزاره‌های افغانستان، ترجمه اسدالله شفاهی، نشر عرفان، تهران، ۱۳۷۹.
- نایل، حسین، سایه روشنهایی از وضع جامعه هزاره، نشر اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۲.

نوید، حامد، تحولات هنر افغانستان در مسیر تاریخ، نشر AuthorHouse، ۱۹۸۸.
هدی، حسین، اشعار بلبل، مؤسسه انتشاراتی فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۵.